



انبیاء تحت ولایت رسول الله اند/ خیرخواهی و نصیحت؛ سیره پیامبر(ص)

حجت الاسلام عالی گفت: پیامبر اکرم(ص)، نبی بر همه انبیا بوده است؛ یعنی همه انبیا تحت لوای پیغمبر اکرم و ولایت او هستند.

حجت الاسلام عالی گفت: پیامبر اکرم(ص)، نبی بر همه انبیا بوده است؛ یعنی همه انبیا تحت لوای پیغمبر اکرم و ولایت او هستند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: پیامبر عظیم الشان اسلام(ص) مظهر رحمت برای همه بشریت و اسوه ای برای تمام تاریخ بوده است. اگرچه عده ای سعی در مخدوش نمودن چهره پیامبر اسلام داشته اند اما روز به روز بر پیروان آن حضرت و عاشقان و دلدادگانش اضافه می شود. به مناسبت سالروز ولادت نبی مکرم اسلام با گفتگو با چند تن از کارشناسان مذهبی کشور به احوال زندگی آن حضرت پرداخته ایم.

پیامبر اکرم سرپرست دیانت و عبودیت برای کل خانواده بشریت است

حجت الاسلام عالی در ابتدا با اشاره به اینکه در یک خانواده کوچک، سرپرست آن خانواده محور دیانت و عبودیت در آن خانواده است و مسئولیت عبودیت در خانه به عهده سرپرست خانواده است، گفت: قرآن می فرماید لااقلو؛ یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً؛ یعنی هم خودتان و هم اهلتان را از آتش جهنم نجات دهید.

وی ادامه داد: همینطور که در یک خانه کوچک اینچنین است، سرپرست دیانت و عبودیت برای کل خانواده بشریت از اول تاریخ تا آخر تاریخ وجود مقدس پیامبر اکرم است. محور دیانت و بندگی در کل تاریخ و جغرافیای عالم وجود پیامبر است، کسی که خود عبد مطلق خداست و آمده تا عبودیت را در عالم گسترش دهد. تمام بار بندگی حتی بار دیگران را او باید به دوش بکشد. او در راس هرم بندگی قرار دارد و تمام اولیا و انبیا زیر مجموعه او و در امت او هستند.

انبیا تحت لوا پیغمبر اکرم و زیر ولایت او هستند

عالی افزود: مرحوم فیض کاشانی در اوایل تفسیر صافی نقل کرده که امام صادق(ع) فرمودند پیامبر در عالم ارواح، نبی بر همه انبیا بوده است. یعنی همه انبیا تحت لوا پیغمبر اکرم و زیر ولایت او هستند.

وی ادامه داد: مرحوم صدوق در علل الشرایع نقل کرده که شخصی نزد امام رضا آمد و پرسید چرا به پیامبر ابوالقاسم می گویند؟ امام رضا ابتدا به فراخور ظرفیت این فرد جوابی داد و فرمود چون پیامبر فرزندی داشت به نام قاسم، لذا به پیامبر ابوالقاسم می گویند. آن فرد به امام رضا عرض کرد اگر مرا اهل می دانید یک مقدار بیشتر بگویید. امام فرمود مگر علی(ع) قاسم نیست؟ (به معنی قسیم النار و النجنه) عرض کرد بله، لذا فرمود پیامبر ابوالقاسم است. یعنی امیرالمومنین و تمام اولیای خدا و فرماندهان جبهه توحید زیر نظر پیامبرند.

این کارشناس دینی افزود: مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان نقل کرده پیامبر مثل یک پدر دلسوز وقتی می دید یک نفر آنچنان که باید و شاید دعوت اش را اجابت نمی کند گویا عیب را در خودش می دید، لذا بر عبادت های خود می افزود طوری که شب چند ساعت روی پا می ایستاد و بعد از مدتی بر اثر کثرت ایستادن بر پاها، پاهایش ورم کرده بود و کثرت شب زنده داری چهره اش را زرد کرده بود.

وی ادامه داد: سپس آیه نازل شد لااقلو؛ مَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِنَشَقِّیْ؛ ای پیامبر! ما قرآن را نازل نکردیم که اینقدر خود را به مشقت بیندازی. خدا پیامبر را تسلی می دهد که اینقدر خود را به مشقت نینداز. او چون پدر است دلش می سوزد. رابطه ای که با بندگان خدا برقرار کرده بر همین اساس ابوت و پدری است. رابطه بر اساس تحمیل و جبر نیست.

رفتار پیامبر با مردم پدرانه بود

عالی گفت: نقل زیبایی هست که ابن مسعود می گوید من ایستاده بودم، دیدم مرد عربی می خواست با پیامبر صحبت کند که ابهت پیامبر او را گرفت و لکنت زبان پیدا کرد. پیامبر فوری او را بغل کرد و فرمود لااقلو؛ هون علیک فلسط بملک؛ راحت باش من پادشاه نیستم من بنده هستم.

وی ادامه داد: سلمان چون ایرانی بود و دیده بود که چطور خدمه پادشاهان ایرانی به آنها خدمت می کنند، به پیامبر که رسید به پای او افتاد، فوری پیامبر او را بلند کرد و فرمود سلمان چه می کنی؟ کاری که مردم با سلاطین و جبابره می کنند با من نکن لااقلو؛ انا عبد من عبید الله؛ لذا رابطه پیامبر با دیگران بر اساس عطوفت و همرنگ رابطه خدا با مردم است.

این کارشناس دینی افزود: پیامبر در جنگ بدر تعدادی از دشمنان قدیمی خود را اسیر کرده بود. حضرت همانطور که آنها را می دید که از مقابلش رد می شوند، لیخندی زد. یکی از آنها به پیامبر گفت بخند، حق داری بخندی ما را به اسارت کشیده ای و اکنون می خندی. پیامبر فرمود خنده من به خاطر آن چیزی نیست که تو گمان می کنی. خنده من به این خاطر است که من به زور زنجیر شما را دارم به بهشت می برم! لذا پیامبر رابطه رحمت با مردم داشت.

تمام مصیبات مومنین ابتدا بر پیامبر وارد شده است

وی افزود: به همین دلیل چون تمام مومنین از اول تاریخ تا آخر به عنوان فرزندان پیامبر هستند و پیامبر نقش ابوت و ولایت و سرپرستی بر همه دارد، تمام بلاها و مصیبت هایی که بر سر انبیا و اولیا و مومنین می آید اول از همه پیامبر درد می کشد.

وی ادامه داد: تمام بلاها و مصائبی که انبیا و اولیا و مومنین از ابتدای تاریخ کشیدند ابتدا بر پیامبر اکرم(ص) وارد شده است. چقدر پیامبر باید استقامت داشته باشد؟ «قَاسَتِمٌ كَمَا أُمِرْتُ»؛ این آیه پیامبر را پیر کرد که فشار مصائب کل تاریخ را باید تحمل کند و استقامت کند.

عالی افزود: در روایتی مرحوم مجلسی در جلد ۲۸ بحار نقل کرده که بلاهای بچه های پیامبر اول بلای پیامبر بود. سوال من این است سربریدن اسماعیل توسط ابراهیم بلای ابراهیم بود یا اسماعیل؟ درست است که هر دو مورد ابتلا بودند اما قرآن سربریدن فرزند را ابتدا بلای ابراهیم و ابتلای او می داند. لذا عاشورا اول بلای پیامبر است و بعد بلای امام حسین(ع).

وی گفت: روایتی که مرحوم مجلسی نقل می کند این است که خداوند خطاب به پیامبر می فرماید که من می خواهم با سه چیز تو را امتحان کنم تا صبر تو را ببینم که یکی از آنها بلاهای بچه های پیامبر است.

اهانت به پیامبر در غرب نشاندهنده گسترش اسلام است
عالی ادامه داد: حال می بینیم که بر علیه این خورشید نورانی اقداماتی صورت می گیرد و نسبت به آن هتاک می شود بلکه بتوانند آن را بپوشانند، از کاریکاتور کشیدن گرفته تا دیگر اقدامات. در عین حال که همه متاسفم می شویم نکته ای جای خوشحالی است که وقتی می بینیم در برخی کشورهای اروپایی به پیامبر اهانت می شود نشانه یک چیز است و این هراس نشانه این است که اسلام به شدت در حال گسترش است.

وی افزود: آنها فهمیدند که اگر پنجاه سال دیگر به همین منوال ادامه پیدا کند غلبه جمعیتی در اروپا با مسلمین خواهد بود. اولین گرایش جوان ها در این کشورها به اسلام است و پرفروش ترین کتاب پس از ۱۱ سپتامبر قرآن است. لذا طبیعی است که اسلام هراسی و اسلام ستیزی را در دستور کار خودشان قرار دهند.

وی در پایان گفت: ما باید با بندگی خودمان پیامبر را در توسعه عبودیت در عالم یاری کنیم. گرت هواس است که معشوق نگسلد پیوند/ نگاه دار سر رشته تا نگه دارد.

مقتضای رحمت اصلاح دیگران است

حجت الاسلام مصطفی پور در مورد ویژگیهای پیامبر اکرم(ص) و رفتار و سیره آن حضرت گفت: پیامبر اکرم(ص) همیشه سعی می کرد رابطه خود با مردم را اصلاح کند، چون در آیات قرآن آمده که هیچ پیامبر(ص) از خشونت برای برخورد با مردم استفاده نمی کرد. تلاشش این بود که مردم را درست اصلاح کند، برای اینکه مقتضای رحمت و محبت آن حضرت این است. وقتی خداوند می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۱۰۷) مقتضای رحمت این است که به گونه ای برخورد کند که دیگران را اصلاح کند، لذا حتی در جریان مکه وقتی مکه عده زدند و گفتند امروز روز انتقام است، اما پیامبر(ص) فرمود: نه! امروز روز رحمت و مهربانی است، چون پیامبر رحمت برای جهان است. پیامبر در برخورد با مردم شرح صدر داشت. برای سپردن مقام و مسئولیت ها و شایستگی را در نظر می گرفت، پیامبر اکرم(ص) سعی می کرد انضباط و جدیت را در امور اداری جامعه رعایت کند تا تصمیم گیری و هایش دقیق و درست باشد. به عهد و پیمان پایبند باشد بین خود و مردم حجاب، فاصله و مانعی ایجاد نمی کرد تا مردم به راحتی بتوانند با آن حضرت رابطه برقرار کنند.

خیرخواهی و نصیحت؛ شیوه رفتاری پیامبر(ص)

وی ادامه داد: پیغمبر(ص) جز خیرخواهی و نصیحت شیوه دیگری در رفتار خود نداشت، لذا اگر کسی هم انتقادی می زد یا حرفی می زد پیامبر(ص) خیلی راحت گوش می داد و لذا در قرآن داریم چون پیامبر سخن مردم را شنیدند می گفتند «أَذِنَ لَكُمْ»؛ پیامبر گوش است، ولی خداوند می فرماید درست است که پیامبر گوش است اما «أَذِنُ خَيْرٌ لَّكُمْ»؛ پیامبر حرفها را گوش می دهد، اما جایی که بخواهد برخورد و تصمیم گیری کند و بخواهد کاری انجام دهد جز براساس خیر کاری انجام نمی دهد. کار پیامبر(ص) از لحاظ مدیریتی اقامه حق و عدل بود، چنانچه قرآن هم همه انسان ها و مؤمنان را به این امر دعوت می کند و حتی در مقام بیان اهداف انبیاء(ع) داریم «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ انبیاء(ع) از جمله پیامبر اکرم(ص) مبعوث شدند تا قسط و عدالت را در جامعه پیاده کنند.

سیره پیامبر در برخورد با مخالفان

وی افزود: اینها جنبه های کلی سیره پیامبر(ص) است که حاکی از انسانیت کامل و کمال انسانیت آن حضرت است، چون معصوم است ما هم باید روش و رفتار او را به لحاظ فردی، اجتماعی، مدیریتی و خانوادگی و مسائل دیگر به کار بگیریم. یکی از نکاتی که فکر می کنم در ارتباط با پیامبر اکرم(ص) کمتر مورد توجه قرار گرفته است سیره او در برخورد با مخالفان و کافران و پیروان افکار و اندیشه های دیگر است که واقعا این بعد از زندگی پیامبر(ص) کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

مصطفی پور در مورد شیوه و روش پیامبر برای دعوت مردم گفت: همان طور که قرآن می گوید: اگر

می‌خواهی مردم را به سوی دین و راه پروردگار دعوت کنی باید از سه شیوه استفاده کنی. سوره نحل این سه شیوه را معرفی می‌کند: آمده که «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ يَالْتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ یعنی افراد مختلف هستند یک عده را باید با استدلال و برهان به سوی حق دعوت کنی، یک عده از انسانها را باید با موعظه حسنه (با استفاده از خطبه به اصطلاح منطقیان) و یک عده را هم باید با جدل که قیدی هم همراه آن است جدل استدلال هست، اما استدلالی که باید برای اسکا (ساکت کردن طرف مقابل) باشد.

وی ادامه داد: در سال نهم هجرت که آوازه اسلام و پیامبر (ص) در بسیاری از مناطق به گوش همگان رسید، آنهایی که شرایط برایشان فراهم شده بود به مدینه می‌آمدند و با پیامبر (ص) ملاقات می‌کردند و معمولاً هم اسلام می‌آوردند و بر می‌گشتند. گروه ۲۵ نفره می‌آید خدمت رسول (ص)؛ رسیدند که از ۵ دین متفاوت بودند این گروه پنج گانه با پیامبر (ص) صحبت کردند اول دین خود را بر پیامبر (ص) عرضه کردند و پیامبر (ص) هم با اینها بحث کرد مثلاً بحث تثلیث، بت پرستی، ثنویت (دوگانه پرستی) و بحث اینکه خدا فرزندی دارد و ... پیامبر (ص) اشکال و نقد این دیدگاهها را بیان کرد، اینها وقتی حرفهای پیامبر (ص) را شنیدند گفتند اجازه بدهید ما در مورد گفته‌های شما فکر کنیم اگر دیدیم حق با شماست به دین شما می‌پیوندیم، اما وقتی دیدیم حق با شما نیست بر دین خود باقی می‌مانیم. چند روزی فکر کردند و آمدند و گفتند: ما سخنی منطقی‌تر از سخن شما نیافتیم و لذا ما همگان به اسلام گرایش پیدا کردیم و مسلمان می‌شویم و وقتی به سوی قبایل خود برگشتیم آنها را هم به سوی اسلام دعوت می‌کنیم.

وی در پاسخ به سوالی در مورد چگونگی احتجاج پیامبر با دیگران گفت: در بحار روایات فراوانی داریم که وقتی پیامبر (ص) با پیروان ادیان دیگر برخورد می‌کرد، آنها را آن چنان مجاب می‌کرد که حاضر می‌شدند اسلام را به عنوان یک دین بپذیرند، اگر کسانی اهل مطالعه باشند می‌توانند به بحار، جلد ۹ مراجعه کنند و در این جلد که مربوط به احتجاجات پیامبر (ص) است موارد فراوانی را راجع به این مسأله مشاهده کنند.

این کارشناس دینی ادامه داد: پیامبر (ص) چون همواره براساس عقلانیت، استدلال‌های عقلی و برهانی عمل می‌کرد معمولاً مردم مجاب می‌شدند، اجباری در پذیرش اسلام نداشتند، چون حرف قرآن هم همین است. قرآن هم در برابر افرادی که ادعاهایی داشتند پیغمبر (ص) مأمور بود که به آنها بگوید: اگر شما راست می‌گوئید برهان، استدلال و دلیل خود را بیان کنید. آنها هم معمولاً نمی‌توانستند چنین استدلال‌هایی داشته باشند، البته پیامبر اکرم (ص) اگر براساس استدلال و برهان در برابر افراد سخن می‌گفت این هم دستور قرآن بود، یعنی در واقع به حکم قرآن پیامبر (ص) این کار را انجام می‌داد. با توجه به این نکته می‌گوییم آن چیزی که مسلمانان می‌باید به سیره پیامبر (ص) توجه داشته باشند این است که روش عقلانی را برای تبیین حقایق مورد توجه قرار دهند.

عامل پیشرفت اسلام

وی اظهار داشت: با توجه به مطالبی که گفتم آن چیزی که عامل پیشرفت اسلام است به عقیده بنده عمده اش دو چیز است: یکی رفتار پیامبر (ص) در برخورد با مردم به حکم آیه «رَحِمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛ یا در آیه ۱۵۹ آل عمران که می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلَوْ كُنْتُمْ قَطَاً غَلِيظَ الْقُلُوبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»؛ رحمت شما برای مردم زمینه جذب مردم را فراهم می‌کند. دلیل دوم عقلانیت پیامبر (ص) است.

مصطفی پور در پایان گفت: پیامبر (ص) براساس استدلال و برهان و تعقل با مردم برخورد می‌کرد و این هم یک عامل بسیار بزرگی برای جذب مردم به سمت اسلام بود. تنها چیزی که در پیامبر (ص) نمی‌بینیم خشونت و برخورد با شمشیر است، اگر هم از جهاد صحبت می‌شود نوعاً جهادها جنبه دفاعی دارد نه جنبه ابتدایی داشته باشد یا افرادی به حکم قرآن از مسلمانان جدا می‌شدند؛ استمداد می‌کردند که پیامبر (ص) و مسلمانان موظف بودند برای نجات آنها اقدام کنند یا دیگران به آنها حمله می‌کردند و پیامبر (ص) با آنها برخورد می‌کرد. معروف است که پیامبر (ص) با وجود اینکه در جنگ می‌جنگ می‌کرد، ولی هیچگاه خود اقدام به ایجاد ضرب و جرح و یا قتل نسبت به کسی نکرد. بنابراین ما هم به عنوان یک مسلمان باید این سیره را در این زمان برای جذب مردم به سوی اسلام در پیش بگیریم و در مرتبه اول اهل رحمت و محبت به مردم و در مرحله دوم باید عقلانی بیندیشیم و عمل کنیم.

سیره عبادی پیامبر (ص)

حجت الاسلام جباری استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) نیز درباره سیره عبادی پیامبر (ص) گفت: جلوه‌های عبادت در سیره پیامبر اعظم (ص) در نماز و ذکر، تهجد و نوافل، روزه، اعتکاف و حج رخ نموده است. نماز ایشان، که آن‌ها را نور چشم خود می‌خواند، همراه بود با اوج توجه و حضور دل. حضرت رسول (ص) بر تهجد و نوافل نیز اهتمام خاصی داشتند. همچنین عبادات سنگین و طولانی همراه با فراهمی سازای لوازم و مقدمات آن از قبل و نیز آداب خاصی چون تقسیم نماز بر ساعات شب، بیداری پس از ثلث یا نصف شب و قرائت قرآن و مناجات در گزارش‌های مربوط به سیره عبادی آن حضرت به چشم می‌خورد.

وی گفت: سیره عبادی پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) از مهم‌ترین محورهای مطرح در سیره نبوی (ص) است؛ چرا که می‌توان عبادت و عرفان را غایت حرکت انسان به ویژه پیامبر اکرم (ص) در سیر معنوی دانست.

اهمیت بعد عرفان و عبادت، مربوط به ارتباط این دو امر با هدف نهایی و متعالی خلقت انسان و هاست. به حکم گفته الهی در آیه نورانی و ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ هدف از خلقت بخش تکلیف و مدار هستی، یعنی انسان و جن، عبادت است و عبادت نیز بدون معرفت ارزشی ندارد و عبادت مورد نظر این آیه نیز عبادتی قرین و ملازم با معرفت است؛ بدین معنا که هر درجه از عبودیت، درجه و ای از معرفت را می و تولید و با هر عبادت عارفانه، درجه و ای برتر از معرفت به دست می و آید. این روند رو به کمال و رشد تا بالاترین مراحل امکان معرفت ادامه می و باید و به این ترتیب، مفهوم سخن برخی مفسران که و ليعبدون؛ را در آیه یادشده و ليعرفون؛ معنا کرده اند، روشن می و شود.

معرفت و بصیرت مقدم بر عبادت و عبودیت است

استاد موسسه امام خمینی ادامه داد: با آنچه گفته آمد روشن شد که معرفت و بصیرت از نظر رتبه مقدم بر عبادت و عبودیت است و عبادت بی معرفت و شناخت را ارجی نتوان نهاد؛ زیرا تا عید شناختی هرچند اندک به آنچه می و پرستد نیاید، عبادتش جز کاری لغو، بی مینا، بی هدف یا تقلیدی صرف نیست و عبادی که این چنین و اند همواره در روایات ملامت شده و اند و درجه عبادتشان بر اساس درجه عقل و معرفتشان محک خورده است.

جباری افزود: عبادت نبوی(ص) عبادتی بود همراه با بالاترین درجات معرفت به معبود هستی؛ و این سیر معرفتی با زمینه های تربیت نبوی(ص) از دوران کودکی ایشان توسط برترین ملک الهی ادامه یافت و سرانجام با اتصال نبی اکرم(ص) به منبع وحی الهی پس از رسالت به اوج رسید. پس از مرتبه معرفت، نوبت به ذکر و حضور دل می رسد و نیز توجه دائم به منبع عظیم هستی و با این توجه و حضور دل، اعضا و جوارح نیز در مراتب بعدی همراه شده، عبادات جارحه و ای قرین عبادات جانحه و ای می گردند.

این کارشناس دینی در پایان افزود: پیامبر اکرم(ص) خود، معرفت را سرمایه اصلی خویش معرفی می فرمود و چنان که گذشت، خداوند متعال مسیری رو به کمال را برای فزونی معرفت آن حضرت ترسیم کرده بود. رخداد بعثت برای آن حضرت، همراه بود با پیدایش درجه والایی از معرفت در باب هستی؛ به گونه و ای که با کنار رفتن پرده و ای ها از مقابل دیدگان حقیقت و ای بین آن حضرت، حقایق هستی برای روح متعالی ایشان منکشف و متجلی شد. بنابر روایتی از امام صادق(ع)، هنگامی که از آن حضرت پرسیدند پیامبران چگونه به رسالت خویش پی می و برند؟ فرمود: و ای مقابل دیدگانشان کنار می و رود؛.